



ک سينا خرم‌رودي

■ سپاه

روزنامه خوب روزنامه‌ای است که تعطیل باشد. چه نیازی به خبرپرانی و خرسازی و تحلیل و نقد یک عده روزنامه‌نویس و خبرنگار و امثالهم داریم؟ خبر می‌خوانیم؟ تلویزیون داریم، نقد می‌خوانیم؟ تاکسی هست، بشپین توش، با هم حرف بزنین و نقد کنین. پاسخگویی مسئولان رو می‌خوانیم؟ صندوق پیشنهادات و انتقادات توی تمام ادارات و ارگان‌ها هست، آموزش و ادبیات و هنر و اینجور چیزا می‌خوانیم؟ این همه کتاب هست. روزنامه‌نگار را باید ببري به همان جایی که عرب نی می‌اندازد. اینقدر باید کاغذ را گران کنی که روزنامه‌ای چاپ نشود و اگر چاپ شد اینقدر گران باشد که کسی نخرد.

اصلا باید دفتر روزنامه‌ها را به خارج از شهرها منتقل کنی تا اینقدر دور باشند که کسی هوس کار در آن‌ها به سرش نزد. باید برای خبرنگار چیزی به عنوان امنیت شغلی تعریف نکنی تا دور از جان همه شما، جانش در بیاید و سراغ خبرنگاری نرود. باید در مدارس شیوه پاک کردن شیشه با روزنامه را یاد دهی و در دانشگاه راه و رسم توقیف روزنامه و مجله را به تمام دانشجویهای علاقه‌مندی آموزش دهی تا بسته شود در هر روزنامه مخل آسایش و امنیتی!

■ سفید

مطبوعات رکن چندم دموکراسی است و بسیار مهم است. اصلا بدون مطبوعات به فنا می‌رویم، هرچه می‌کشیم از کمبود روزنامه است و به هر کجا رسیده‌ایم به خاطر وجود همین روزنامه‌ها است. روزنامه برای هر خانواده از نان شب

واجب‌تر و از اکسیژن حیاتی‌تر است. با شعار هر ایرانی یک روزنامه باید تعداد روزنامه‌ها و تیراژ آنها را افزایش دهیم. در مدارس روزنامه‌نگاری را بیاموزیم و کلاس روزنامه‌خوانی برگزار کنیم. در دانشگاه‌ها بعد از حذف درس تنظیم خانواده یک درس ۳ واحدی به نام عدم تنظیم مطبوعات را برای همه رشته‌ها اجباری کنیم. به خبرنگاران خانه بدهیم، برایشان زن بگیریم، زندگیشان را رو به راه کنیم و مثل پروانه دورشان بگردیم و بگویم که شما فقط بنویس و حال کن، ما هم با قلم شما حال می‌کنیم ...

■ بنفش متمایل به قرمز با خال خال سبز

مطبوعات و روزنامه‌ها سطح فهم شعور مردم را بالا برده و روحیه مطالبه‌گری را به آنها یاد می‌دهند. مطبوعات مردم را با حقوقشان آشنا می‌کنند و کلا خیلی

خوب هستند. دیگه احتیاجی به توضیح اضافی نیست.

■ خاکستری

مطبوعاتی که توی جبهه ما هستند، خوب‌اند و قابل احترام، باید به اینها بودجه داد، هوایشان را داشت و در مواقع حساسی همچون انتخابات از آنها استفاده نمود و حالش را برد. اما مطبوعاتی که می‌خواهند مدام از ما انتقاد کنند و ایراد بگیرند و اذیت کنند را باید به دقت خواند تا ایرادی درونشان پیدا کرد و توقیفشان نمود.

■ زرد

مطبوعات ابزار مناسبی برای انتشار عکس بازیگرها و انجام مصاحبه‌های تخیلی و خالی کردن جیب عده‌ای جوان ساده دل است. بنابراین بگذار راحت باشند و تجارتشان را بکنند.

پای کار ثابت بوده‌اند؛ هرچند در حوزه مالی آنچنان که بتواند باری از دوش آنها برداشته شود، کاری نشده است اما به دلیل مسئولیت‌پذیری و رسالتی که دارند کارشان را ادامه می‌دهند.

زمانی که یارانه نشریات حذف شد، قوت برخی نشریات نیز همان روزها به شماره افتاد و کم‌کم از گردنه چاپ خارج شدند؛ هرچند خبرنگارانشان به امید درج مطالب و ادامه کار در برخی جلسات مهم شهر حضور پیدا می‌کنند و همچنان پیگیر اخبار و موضوعات شهرستان هستند اما به دلیل شرایط مالی حاکم، وضعیت خوبی را نمی‌گذرانند.

از گوشه و کنار هم شنیده می‌شود برخی افراد همچنان به دنبال دریافت مجوز برای چاپ نشریات جدید هستند؛ البته بیشتر نشریاتی که سال‌ها پیش برای اخذ مجوز اقدام کرده‌اند، هنوز در تغییر دولت‌ها و مدیران به نتیجه نرسیده است؛ هرچند با ورود این نشریات به جمع مطبوعات شهرستان، زمانی که حمایت مالی مسئولان و آنها که این رسانه‌ها را تنها در روز احتیاج می‌شناسند، نتیجه‌ای جز فعالیت چند ماهه یا چند ساله و پس از آن تعطیلی و راکد شدن نخواهد داشت.

البته شمار زیادی از نشریات هم تنها برای روزهای خاصی نگه‌داشته می‌شوند یعنی متولیان آنها هیچ سابقه و فعالیتی در بحث مطبوعات و اطلاع‌رسانی ندارند اما مجوزهایی که می‌گیرند فقط در زمان انتخابات آن هم سازماندهی شده فعالیت خود را به آن زمان محدود منحصر می‌کنند و دیگر بعد از آن خبری از آنها نیست و در این مدت تنها عرصه را به سایر نشریاتی که سالهاست خاک این عرصه را می‌خورند تنگ می‌کنند.

تا زمانی که مفهوم اصلی و رسالت مطبوعات میان مسئولان و مخاطبان آن در حوزه فرهنگ جا نیفتند و شناخته نشود؛ همین آش و همین کاسه پذیرای اهل رسانه خواهد بود.



محل‌های "ارشاد"

امروز بهانه‌ای است برای آنکه بار دیگر از نگاهی متفاوت لیست مطبوعات استان را بازنگری کنیم تا ببینیم راه رفته ۱۰ ساله توسط همدان پیام به پشتوانه چه کسانی از گذشته تا امروز طی شده است.

قدم‌های لرزان اما ادامه‌داری که ۱۱۱ سال عرصه فرهنگی را پیموده‌اند تا به ۶۷ عنوان نشریه تخصصی و عمومی حال حاضر استان برسد.

پیام آدینه امروز به بهانه دهمین سال تولد همدان پیام به بازخوانی گذشته پرداخته است.



کعبه مهدی ناصرنژاد

همدان‌پيام: یک قرن از انتشار اولین نشریه با عنوان روزنامه "عدل مظفر" توسط شخصی به نام علی خان ظهیرالدوله حاکم وقت همدان می‌گذرد.

انتشار اولین نشریه به اصطلاح روزنامه در کهن شهر همدان پس آن حادث شد که فرمان مشروطیت از سوی ظفرالدین شاه قاجار صادر شد و این اتفاق حاصل سال‌ها مبارزه و مجاهدت طیف‌های آزادیخواه و مشروطه‌طلبان ایران برای پایان دادن به حکومت‌های پراکنده و استبدادی در کشور بود که در زمان خود تحولی بنیادی برای جامعه ایران بشمار می‌آمد.

روزنامه عدل مظفر پس از یک سال انتشار نه‌چندان منظم به «آکباتان» تغییر نام داد در حالی که با توجه به محتوای چنین نشریه‌ای تنها می‌توانست شروعی برای فعالیت‌های روزنامه‌نگاری در قدیمی‌ترین شهر ایران باشد؛ چراکه قبل از آن در شهرهایی نظیر تهران، اصفهان و تبریز این قاعده مهم سیاسی و اجتماعی ساری و جاری بود.

آکباتان کماکان در همدان یکه‌تازی می‌کرد تا اینکه



کعبه سعید زارع‌صفا

همدان‌پيام: یکی از ویژگی‌های دولت گذشته به اذعان آگاهان امر، تصمیمات خلق‌الساعه و بدون دوراندیشی و مشورت بود که از عالی‌ترین سطوح مدیریتی تا پایین‌ترین دستگاه‌ها را دست‌خوش تغییر قرار داد و نظام تصمیم‌گیری و اجرایی را در این حوزه‌ها آشفته کرد. جالب آن بود که اغلب، انگیزه تغییرات یک شبه، ایجاد تحول و کارایی بیشتر در رسیدگی به امور عنوان شد؛ اما در عمل دیده شد که «از قضا سر کنجبین صفرافزود». از برداشته شدن چندین شورای تصمیم‌گیری در حوزه اقتصاد گرفته تا منحل شدن سازمان مدیریت که عالی‌ترین مرجع برنامه‌ریزی در دستگاه دولتی به حساب می‌آمد؛ اما شاهکارهای دولت سابق فقط به حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت‌های اقتصادی محدود نبود؛ بلکه حوزه فرهنگ و رسانه هم از این تصمیمات خلق‌الساعه بی‌نصیب نماند و نمونه آن ایجاد تشکیلاتی موازی خانه مطبوعات بود که برای وجه تمایز نام «سرای روزنامه‌نگاران» را بر آن نهادند.

ایجاد این تشکیلات اگرچه در همان ابتدا هم با شبهه‌های سیاسی و گاه جناحی همراه بود اما علی‌الظاهر هم نمی‌توانست موجب خوشحالی و امیدواری باشد. نیاز اهالی مطبوعات و رسانه در سال‌های اخیر پشتیبانی و ایجاد امنیت شغلی بوده و این نیاز همچنان پا برجااست. در این راستا با ملاحظه شرح وظایف «سرای روزنامه‌نگاران» چیزی عاید روزنامه‌نگاران نمی‌شد و فقط کاغذبازی اداری را بیشتر می‌کرد. هر چند که تقویت و توسعه خانه‌های مطبوعات در سراسر کشور از جمله خواسته‌های اصلی روزنامه‌نگاران بوده، اما دولت سابق بر اساس طبیعت رفتاری خود دنبال ایجاد تشکیلی افتاد که بیشتر از آنکه نانی برای روزنامه‌نگاران داشته باشد نام و نشان برای دولتمردان و مدیریت ارشاد برجا می‌گذاشت. این البته چیز عجیبی نبود؛ چرا که رفتارهای دولت سابق مخصوصاً در اواخر نشان داده بود که علاقه وافری به شهرت، غوغاسالاری و در کانون خبر قرار گرفتن داشته و ایجاد سرای روزنامه‌نگاران هم نمونه‌ای از این رفتارها قلمداد می‌شد.

اگر نگاه خوش‌بینانه و به قول دولت گذشته «مهرورزانه» هم به این تشکیل داشته باشیم حال و روز کنونی آن ما را به تحلیل فوق می‌رساند که دفتر و دستک «سرای روزنامه‌نگاران» تنها برای به حاشیه بردن خانه نحیف شده «مطبوعات» و بر زبان انداختن اقدامات فرهنگی دولت بود. حال اما شنیده شده که این سرا رو به تعطیلی گذاشته و هنوز چند صبحای نگذشته نهالش در حال خشک شدن است که البته آخر و عاقبت تصمیمات تبلیغاتی و فانتزی بهتر از این نخواهد شد!

مطبوعات در تاریخ همدان

جنگ جهانی اول شروع شد و به‌رغم احتراز حکومت ایران، دامنه شعله‌های خانمانسوز چنین قائله تجاوزگرانه‌ای نقاطی از کشورمان هم را دربر گرفته بود و جامعه ایران در فضای بسته سیاسی و ناآگاهی‌های ناشی از بیسوادی و فقر از چند و چون سیاست و تحولات جهانی نه اطلاع داشتند و نه قدرت تجزیه و تحلیل آن.

در این اوضاع و احوال آزاده مردانی بودند در گوشه و کنار این آب و خاک اسلامی که دغدغه استقلال و حیات کشور و ملت را خود را داشتند و چاره کار در وهله اول آگاهی‌دادن به مردم و تهییج افکار عمومی کشور می‌بود. در تکاپو برای پایه‌گذاری نشریات

در شهرهای بزرگ همدان هم بی‌نصیب نماند و روزنامه ۲ یا ۴ صفحه‌ای دیگری با عنوان "آکباتان دوم" توسط میزاده عشقی منتشر شد و به تبع آن نشریاتی دیگر با عنوان‌های "عصر انقلاب"، "افسانه"، "قرن بیستم"، "تازه

خویش پیشه کرده‌اند؛ نسل امروز با چشم و گوش و خرد عالمانه‌تری زبان مادری خود را می‌فهمد.

امروز در پیشخوان روزنامه‌فروشی‌های شهرمان علاوه بر عنوان‌های قدیمی و شناخته شده مطبوعات سراسری و نسل جدیدی از روزنامه‌ها و نشریات متنوع، نام‌های سازگار و ملموسی نیز از روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های محلی و استانی به چشم می‌خورد و بی‌جا و دور از ذهن و انصاف نیست که ادعا کنیم همین روزنامه‌های محلی نه در گستره استان

خودمان بلکه در هر گوشه از ایران پهناور اسلامی با هر ترقی‌خواهانی که سودای روزنامه‌نگاری در سر داشتند و با اهتمام به این تحول شگرف بسترهای جدیدی پیش روی مردم نقاط خویش برای نگاه متفاوت و نو به جهان امروز گشودند. بدون شک نقش چنین رویکردهایی در جریان‌سازی تحولات اجتماعی زمان خود در جوامع انسانی غیر قابل کتمان است.

در عصر جدید و هنگامه تلاش و حیات نسل امروزی، البته نه فقط به علت پیشرفت علوم و صنعت و ارتباطات، بلکه بخاطر رشد فکری و نگاه متفاوت و بروز افکار عمومی به تحولات پیرامونی، مطبوعات و به طور عام رسانه‌ها نیز روش‌های نر‌م‌تری برای ارتباط با مخاطبان متحول شده



آموزشی در حوزه رسانه و روزنامه‌نگاری با حضور اساتید برجسته این حوزه از پایتخت کشور یکی از بارزترین اقدامات بود که جای تقدیر دارد.

امید است در دولت جدید که با شعار «خردورزی و تدبیر» روی کار آمده از سویی دیگر شاهد چنین تصمیماتی نباشیم و از سوی دیگر آنچه را که تاکنون پایه‌گذاری شده هم از بین نبریم. فی‌المثل بعد از عمر چندین ساله بیمه خبرنگاران در سایت «سمان» و

سیام آدین

شمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

کعبه اعظم اسلامی خواجه

نشان دادن کژی‌ها در جامعه و تعریف از خدماتو عملکردها از وظایف هر روزنامه‌ای است و این روزها آن را در دورترین نقاط جهان، خیابان‌ها، شهرک‌های بزرگ و کوچک، در هواپیماها، هتل‌ها، ایستگاه‌های قطار و... می‌توان پیدا کرد که تاشده و دست به دست می‌چرخد و گاهی حکم پوشش را پیدا می‌کند و گاهی برای گرم شدن در شب‌های سرد خیابان‌ها می‌آیند. در هر شرایطی مردم می‌خواهند این رسانه دنیا را تغییر بدهند؛ چراکه از اول هم رسالت رسانه همین بوده است. مردم، روزنامه را برای انعکاس اخبار و مشکلات ... جامعه می‌خواهند. آنها روزنامه‌ای می‌خواهند تا بر عامه مردم متمرکز باشد و در راستای حقوق بشری انجام وظیفه کند؛ که در این صورت حامی و طالب آن روزنامه خواهند بود. به همین بهانه و اینکه روزنامه‌های محلی و کشوری چقدر در سید کالای مردم جا دارند و آنها چه انتظاراتی از روزنامه‌ها دارند چرخ می بین مردم زده‌ایم و انتظارانتشان را از روزنامه‌ها پرسیدیم. آنها طالب روزنامه هستند ولی در شرایطی که بلندگوی آنها باشد نه بلندگوی مسئولان و جناح‌ها.

زنگنه مرد جوانی است که به گفته خودش هر روز صبح از طریق اینترنت صفحه اول تمام روزنامه‌های کشوری و محلی همدان را می‌خواند. او می‌گوید: روزنامه‌های محلی ما متأسفانه کمتر به اخبار خود استان می‌پردازند و در واقع رقبی هم ندارند. اگر مسئولان مربوطه می‌خواهند مردم روزنامه بخوانند باید مردم باشند. مثلاً تا به حال روزنامه‌ای، درست و حسابی به مشکلات درمان، سبب کالا و یا حتی مشکلات شهری نپرداخته‌اند. روزنامه‌ها باید به مسائل مردم بپردازند. روزنامه‌های همدان اخبارشان تکراری است. او می‌گوید: مدیران و مسئولاتی که در روزنامه‌ها صحبت می‌کنند، تقریباً ثابتند. صدا و سیما و روابط عمومی هر اداره‌ای بلندگوی آنها هست، روزنامه‌ها دیگر باید بلندگوی مردم باشند. چطور می‌شود که پرتیراژترین روزنامه ژاپن یک و نیم برابر کل روزنامه‌های ایران تیراژ دارد. این نشان می‌دهد روزنامه‌های ما مشکلاتشان زیاد است و مطالبی که چاپ می‌شود سردیر پسند هستند. او درباره روزنامه همدان‌پيام هم می‌گوید: این روزنامه در سطح استان بد نیست. ولی ۴۰ درصد اخبارش تکراری است. به مسائل شهری نمی‌پردازد و با افراد گمنام استان ارتباطی ندارد.

مهدی هم جوانی است که می‌گوید: این روزها به خاطر درس و دانشگاه و مشغله کمتر روزنامه می‌خوانم. قبلاً گاهی می‌خواندم و از روزنامه‌های هر دو جناح می‌خواندم تا اخبار درست را به دست آورم. ولی خب مطالب روزنامه‌ها متناسب با دید و سیاست روزنامه‌هاست و زیاد برای مردم نیست. مردم چیزی که برای آنها باشد را می‌خوانند حتی اگر کار و مشغله داشته باشند و گرنه سیری که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند. مقاله‌های تحلیلی یا مصاحبه‌ها و صحبت‌های مردم برایم معمولاً جالبند. او درباره روزنامه‌های محلی می‌گوید: روزنامه‌های محلی نمی‌خوانم اما اطلاعاتی که دارم این است که همدان‌پيام معمولاً یکی به نعل می‌توبد و یکی به میخ. نه اصلاح‌طلب است نه اصولگرا، که این برای روزنامه خوب است به شرطی صواب هم برای مردم داشته باشد. اما حالا که گاهی وقت‌ها مسئولان را به چالش می‌کشد و واسطه مردم و مسئولان شده باید مؤثرتر عمل کند.

زندى هم خانم ۳۰ ساله است که می‌گوید: روزنامه خواندن پرستیژی دارد که خیلی دوستش دارم. ولی متأسفانه مطالبی که روزنامه‌ها چاپ می‌کنند به درد من و امثال من نمی‌خورد. حالا اگر من هر روز ندانم فلان مدیر چه می‌گوید از نون من کم می‌شود یا نیم؟ حالا ای کاش هر روز صحبت‌های جدید می‌گفتند که به درد ما هم بخورد. گاهی وقت‌ها مطالبی در روزنامه‌ها پیدا می‌کنم که درباره خودمان و مسائل روز یا مشکلاتمان است، مصاحبه جالبی است یا یک تحلیل سیاسی است که آنها را حتماً می‌خوانم. روزنامه محلی هم اصلاً نمی‌خوانم. البته منکر نیستم بعضی وقت‌ها که اخبار همدان را می‌خواهم بدانم معمولاً همدان پیام را می‌خرم.

جلال ۵۳ ساله است. او هم می‌گوید: سال‌های سال است هر شب دو تا روزنامه می‌خرم و به خانه می‌برم. سرمقاله و بعضی از مطالب سیاسی آنها را می‌خوانم. اما در کل روزنامه‌های ما به خاطر جناحی عمل کردندشان هیچ‌وقت نمی‌توانیم با خواندن یک روزنامه اخبار صحیحی بدست آوریم و اینکه روزنامه‌ها کمتر به مسائل مردم می‌پردازند از نقطه ضعف‌های آنهاست. در صورتی که روزنامه‌ها را برای مردم منتشر می‌کنند. راستش را بخواهید من این روزها کمتر تمایل به خواندن روزنامه دارم فقط طبق عادت می‌خرم. در واقع روزنامه‌های ما مثل این شده‌اند که: مثلاً من بخواهم به بچه‌هایم هر چه خودم می‌خواهم دیکته کنم. چند باری گوش و انجام می‌دهند بعد از آن یواش-یواش از من و صحبت‌هایم فاصله می‌گیرند و می‌روند دنبال علایقی با سلیقه خودشان.

روزنامه‌های ما هم همین‌طور شده، متناسب با سلیقه و نیازهای مردم نیست. روزنامه‌های ما سلیقه جناح مودنظرشان است. آنها هم احتمالاً با کمال میل وبه‌به و چه‌چه می‌خوانند. روزنامه محلی هم نمی‌خوانم ولی یک وقت‌هایی بسته به تئترش همدان‌پيام را می‌خرم. به‌نظرم همدان پیام روزنامه محلی بدی نیست. خیلی جناحی عمل نمی‌کند. اما می‌تواند مردم‌تری باشد و به مشکلات و صحبت‌های مردم از طریق صحبت با خودشان بیشتر بپردازد. شهر ما پر از مشکلات است که اگر به آنها نپردازد شاید خیلی‌ها آن را بخوانند.

مردم از مطبوعات می‌خواهند

معتدل باشید

ذوالفقاری هم دختر دانشجویی است که می‌گوید: تا به حال روزنامه نخریده‌ام ولی گاهی پیش آمده مقاله جالبی در روزنامه دیدم‌ام و خواندم. اما گاهی مطالبی که می‌خوانم در حد مقدمه‌اش خلاصه می‌شود چون بقیه‌اش به صحبت مدیران می‌رسد.

پهروز خانلر هم درباره روزنامه‌ها می‌گوید: ما به روزنامه داریم به روزی‌نامه که بعضی از روزنامه‌ها به دنبال روزی هستند. به نظر من روزنامه به عنوان یک ماهواره زمینی می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد و در دسترس مردم قرار بگیرد به شرطی که الهام‌بخش باشد. او می‌گوید: روزنامه‌ها نباید به دنبال خیرسازی باشند باید مطالبی را عنوان کنند که مورد رشد فکری مردم را فراهم کند. روزنامه‌ها بلندگوی جناح‌های مختلف شده‌اند. دولت‌ها، وزرا و مدیران می‌آیند و می‌روند اما این مردم هستند که می‌مانند. در جامعه اسلامی اصل مردم هستند و باید دردهای آنها و کمبودهای جامعه را اطلاع‌رسانی

کنند تا مسئولان نسبت به رف آنها اقدام کنند. مردم می‌خواهند روزنامه‌ها به مشکلات آنها و جامعه بپردازند. او در ادامه صحبت‌هایم درباره روزنامه‌های محلی و همدان‌پيام می‌گوید: این روزنامه هم سابقه زیادی دارد هم مدیریت خوبی که این باعث شده خبرنگاران خوبی هم داشته باشد و همه این‌ها

انتظارها را بالا برده. به نظرم این روزنامه شاید ۶۰ درصد سمت مردم است. من هفته‌ای ۳-۲ بار این روزنامه را می‌خرم گاهی وقت‌ها با مدیران است، گاهی وقت‌ها هم روال عادی خودش را دارد و یکی از ضعف‌هایش این است که به مسائل هنری و فرهنگی کمتر توجه می‌کند. هر چند این بخش در همه نشریات مظلوم واقع شده است.

لیلا ۳۵ ساله است و می‌گوید: علاقه‌ای به خواندن روزنامه ندارم. اما گاهی که خریدی می‌کنم و روزنامه دورش پیچیده‌اند ممکن است مطلبش نظرم را جلب کند و بخوانم.

کارمند ۲۲ ساله‌ای هم که معمولاً در اداره روزی نیم ساعت روزنامه‌ها را ورق می‌زند می‌گوید: این که روزنامه‌ها بیشتر به مسئولان می‌پردازند خوب است به شرطی که سودی هم برای مردم داشته باشد. در واقع روزنامه‌ها باید مشکلات مردم را به گوش مسئولان برسانند و آنها را وادار به انجام و اصلاح امور کنند. ما می‌بینیم که مدام صحبت‌های مسئولان هست و در نهایت بی‌نتیجه می‌ماند. روزنامه‌ای خوب است که بی‌طرف باشد. همدان‌پيام گاهی بی‌طرف و با مردم است. به هر حال با سیاست خودش پیش می‌رود. اما در هر صورت باید به مشکلات مردم بپردازد اگر می‌خواهد مخاطبان بیشتری داشته باشد. من معمولاً مطالبی که از دل مردم برخاسته باشد را می‌خوانم و برایم جذابیت دارد. البته مطالب سیاسی را نسبت به تئترش و یادداشت‌ها را هم گاهی می‌خوانم.

در این گزارش‌از اینطور به‌نظر می‌آید که مشتریان روزنامه‌ها طالب گزارش‌های تحلیلی، مصاحبه‌ها و گزارش‌هایی مربوط به جزئیات زندگی مردم و فعالیت‌ها و مشکلات جوامع شهری و مطالبی از این دست هستند. آنها می‌خواهند روزنامه‌ها برای مردم باشند و همه چیز را یکطرفه نبینند.





مطبوعات پس از انقلاب اسلامی

عیاس یادگاری



همدان پیام: امروزه بدون تردید باید گفت که دیگر تنها مطبوعات و روزنامه‌نگاری نیست که بیش از هر فعالیت انسانی مظهر فرهنگ جامعه و مبین سنت‌ها، آداب و رسوم و عایق و پل ارتباطی، بازگوکننده مسائل،

مشکلات و خواسته‌های مردم و دیدگاه مسئولان باشد و دیگر وظیفه و رسالت بزرگ تنویر افکار عمومی، تقویت اقتدار ملی و روح همدلی در اجتماع را تنها این رسانه مکتوب به عهده ندارد، بلکه موج‌های مرزناشناس و فعالیت رسانه‌های مختلف سمعی و بصری اعم از اینترنت، رایانه‌ها و ماهواره و... نیز به این مهم می‌پردازند.

البته جدا از رسانه‌هایی که منظوری جز غرض‌ورزی البته جدا از رسانه‌هایی که منظوری جز غرض‌ورزی ندارند – در دنیای امروز ما که استعمارگران جدید با جنگ سرد خود و استفاده از سلاح جنگ نرم به میدان آمده‌اند و رسانه‌هایشان با مدرن‌ترین وسایل، اسلحه‌ای برای این سنتزی می‌باشند در مین عریز ما ایران اگرچه مسئولان فرهنگی پس از انقلاب تلاش‌هایی داشته‌اند، اما متأسفانه کافی نبوده است و بر کس پوشیده نیست که کمی بی‌اهمیتی به رسانه و محصولات فرهنگی و اصولاً کار فرهنگی می‌تواند کشورها را در معرض خطر قرار دهد. نکته قابل تأمل این است که در این عصر فعالیت و اجباراً رقابتی است که مطبوعات بخصوص جراید محلی با این امکانات ضعیف از جنبه‌های مختلف می‌باید با غول‌های رسانه‌ای جهان ارتباط داشته باشند که این مهم حمایت همه‌جانبه مردم و مسئولان را می‌طلبد و به نظر نگارنده موارد ذیل می‌تواند در این برهه از زمان در بهبود وضعیت رسانه‌ها بالاخص نشریات محلی مثرم تمر واقع شود.

با عنایت به استقبال خوبی که دولت تدبیر و امید نسبت به مقوله فرهنگی دارد نویدگیر اقدامات و امیدهای تازه برای اهالی فرهنگ و رسانه می‌باشد که امیدواریم با تشکیل مجمع امور صنفی مطبوعات – علاوه بر خانه مطبوعات – و پیرو آن دفاتر مجمع در استان‌ها تشکلی قوی و منسجم برای حمایت و ارتقای سطح کیفی و کمی جراید و رفع مشکلات ارباب جراید به وجود آید.

امکانات و شرایطی به وجود آید که نیروهای نخبه

جذب جراید شوند.

با توزیع عادلانه آگهی‌های دولتی از نشریات محلی حمایت شود.

– با اتخاذ گردهمایی و همایش‌های فصلی کشور و منطقه‌ای اهالی مطبوعات از تجربیات هم استفاده کنند.
– محلی برای تمامی دفاتر نشریات اختصاص داده شود.
– با پرداخت وام‌های کم‌بهره زحمتکشان مطبوعات حمایت شوند.

– ترتیبی اتخاذ شود که روزنامه‌نگاران نگران آینده شغلی خود نبوده و در تأمین حقوق و امرار معاش خود مشکل نداشته باشند.
– اهالی مطبوعات از حمایت قضایی و حقوقی برخوردار شوند.

– نظارت مطلوب بر عملکرد مطبوعات به عمل آید.
– درصدی هرچند اندک از سهم مراکز سودده برای تقویت رسانه‌ها اختصاص داده شود.
– واگذاری ده‌کاهی مطبوعاتی بیشتر و همکاری و مساعدت اداره پست برای توزیع جراید به عمل آید.

– پرهیز از واگذاری بدون پیش‌بینی امتیاز جراید در حد نیاز استان‌ها و واگذار نکردن برخی از سرپرستی‌های جراید کشوری به افرادی که شرایط لازم را ندارند با تأیید ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها.

– آموزش روزنامه‌نگاران که می‌باید در اولویت کارها قرار گیرد.

و من..ال توفیق

* مدیرمسئول آوای الوند
* نایب‌رئیس خانه مطبوعات استان همدان

ساجده شوبیری

همدان پیام: روزنامه و مطبوعات از جمله ارمان‌های فرهنگ است که در دوران قاجار هنگامی که اروپاییان در راه ترقی و پیشرفت افتاده بودند و نسیم‌هایی از آزادی‌طلبی به سوی دروازه‌های ایران شروع به وزیدن گرفته بود؛ ایرانیان برای نخستین‌بار با این سنبل فرهنگی توسط آزادی‌خواهان و محصلان اعزامی به فرنگ آشنا شدند و توسط همین محصلان هنگامی که مقدمات چاپ و نشر در ایران فراهم شد، روزنامه نیز در ایران منتشر شد.

انتشار نخستین روزنامه در جهان به سال ۱۶۰۵ باز می‌گردد؛ زمانی که یوهان کارولوس روزنامه رپلیشن را در فرانسه منتشر کرد؛ روزنامه‌ای با ۷۰ سال عمر. نخستین روزنامه خاورمیانه الوقای مصریه بود که در سال ۱۸۲۸ در مصر منتشر شد و حدود ۱۰ سال بعد روزنامه کاغذ اخبار در ایران انتشار یافت.

سال ۱۲۵۲ قی کاغذ اخبار در تهران در یک صفحه توسط میرزا صالح شیرازی قسائی که از محصلین اعزامی به فرنگ و در حرفه صنایع چاپ تحصیل کرده بود؛ منتشر شد. بعدها در زمان ناصری و در سال ۱۲۶۷ قی به همت میرزا تقی‌خان امیرکبیر و به مدیریت و سردبیری حاج میرزا جبار تئذ‌رچی به همکاری ادوارد برجیس هفت‌نامه روزنامه‌چ اخبار دارالخلافه طهران توزیع شد که از شماره دوم نام وقایع اتفاقیه به خود گرفت. این نخستین انتشار کاغذ اخبار به عنوان نخستین روزنامه در ایران تاکنون بیش از ۱۸۰ سال می‌گذرد؛ این سابقه در مقایسه با قدمت تاریخ مطبوعات کشورهای اروپایی اندک است.

۱۳۴۴ قی یعنی ۷۲ سال پس از نخستین روزنامه ایران در عهد مظفری به همت حسین‌خان، طبیب ظهیرالدوله حاکم ترقی‌خواه و مشروطه‌طلب همدان منتشر شد؛ انتشار این روزنامه سرازآغاز تاریخ مطبوعات استان همدان محسوب می‌شود. از زمان انتشار عدل مظفر بیش از یک قرن می‌گذرد؛ در این مدت بیش از ۱۰۰ نشریه در استان منتشره شده و با مجوز انتشار دریافت کرده‌اند که از این تعداد، برخی مدتی طولانی به حیات مطبوعاتی خود ادامه داده‌اند و برخی پس از انتشار چند شماره از گرونه خارج شدند، تعدادی در تهران منتشر شدند و بعضی هیچوقت منتشر نشدند و فقط مجوز دریافت کردند.

در دوره قاجاریه با انقلاب مشروطه تا کودتای رضاخان جمعاً ۱۶ نشریه در استان همدان منتشر شده است که از این تعداد سهم ملایر نیز یک نشریه به نام “سهیل” بود. در آن زمان استان همدان در مقایسه با شهرهای مجاور چون اراک، سنندج، کرمانشاه و خرم‌آباد مقام اول را داشت.

تمامی این ۱۶ نشریه به طور هفتگی و به‌طور قطع روزنامه معمولی در ۲ یا ۴ صفحه چاپ می‌شد، از ویژگی این نشریات این‌دوره می‌توان به نقل و ذکر صرف حوادث و اخبار و توجه نکردن به تحلیل بررسی اخبار و حوادث، به کار بردن نثر مضوع و مزین و آرایه‌های ادبی در سبک نوشتاری به جای استفاده از زبان محاوره‌ای، عمر کوتاه هر یک از نشریات و همچنین تعلق به تشکل‌های صنفی و طبقاتی اشاره کرد.

از مجموع ۱۶ نشریه تعداد ۷ نشریه وابسته به ارگان‌ها و مجالس فرهنگی، ادبی و سیاسی بود و در آنها عقاید و اخبار

ارگان مربوطه درج می‌شده و ۹ نشریه دیگر هیچگونه وابستگی به ارگانی خاص نداشته و به طور مستقل منتشر می‌شد.

در دوره پهلوی تعداد نشریات استان به ۵۱ نشریه رسید که سهم ملایر ۵ نشریه بود. از ویژگی‌های نشریات این دوره هم می‌توان به رشد سیاسی نشریات محلی اشاره کرد.

نخستین هفت‌نامه ۴ صفحه‌ای ملایر به نام سهیل که در سال ۱۳۳۹ قی آغاز به کار کرد؛ مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز این هفت‌نامه احتشام‌المالک سهیلی بود و سردبیری آن را باقر دیوان بر عهده داشت که این نشریه بعد از انتشار ۲ شماره، تعطیل شد.

دومین نشریه ملایر “پیام” نام داشت که در بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ مجوز گرفت، اما از انتشار با انتشار نشدن این نشریه اطلاعاتی در دست نیست البته محمود رضوی صاحب امتیاز این نشریه بوده است.

«صرت» را می‌توان سومین نشریه ملایر دانست که به صورت هفتگی در ۴ صفحه منتشر می‌شده است. صاحب‌امتیاز آن نصرتا..، حاجی عظیمی بوده و این نشریه وابسته به جبهه آزادی فعالیت داشته و گستره توزیع آن در ملایر و تهران بوده است. این هفته نامه در اسفندماه سال ۱۳۲۶ به تهران انتقال می‌یابد.

نشریه سیاسی، اجتماعی “مرد مبارز” در سال ۱۳۳۰ منتشر شد. این نشریه نیز در ۴ صفحه به صورت هفتگی در ملایر توزیع می‌شد. مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز این نشریه را خلیل اسعد رزم‌آرا برعهده داشت و در خردادماه سال ۳۷ به تهران منتقل و در اسفندماه ۱۳۳۹ به روزنامه تبدیل شد.

نشریه “درند”، نشریه وابسته به جمعیت ملایری‌های مقیم مرکز در سال ۱۳۳۱ در تهران منتشر می‌شده است. صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول این نشریه اجتماعی، ادبی و فکاهی را کریم ظهیری بداغی برعهده داشته است. هفت‌نامه “لشک دهقان” نیز در سال ۱۳۳۱ به صورت هفتگی و در ۴ صفحه آغاز به انتشار کرد که اردلان صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول این نشریه بود.

«اتحاد» دیگر هفت‌نامه ملایر بود که در سال ۱۳۳۲ در ۴ صفحه انتشار یافت؛ این نشریه که به صاحب‌امتیازی و مدیر مسئولی صادق اسمعیلی منتشر می‌شد در اسفندماه ۱۳۴۴ به دلیل انتشار نامتنظ تعطیل شد.

در سال ۱۳۴۰ آخرین نشریه ملایر- در دوران پهلوی به نام “دهقانان ایران” فعالیت خود را آغاز کرد. این نشریه سیاسی- انتقادی وابسته به انجمن کمک به دهقانان ایران بود؛ صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول آن هدایتا.. داوری بود. دهقانان ایران که به صورت هفتگی و در ۴ صفحه منتشر می‌شد؛ به مسائل کشاورزی و وضعیت دهقانان ایران می‌پرداخت.

ملایر پس از انقلاب تا سال‌ها، هیچ نشریه‌ای نداشت و از عرصه مطبوعات به دور بود تا در سال ۱۳۷۵ هفت‌نامه فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی “عندلیب” با بر عرصه مطبوعات ملایر نهاد تا شهری که در مطبوعات دارای پیشینه است، بدون نماینده نماند. محمدرضا نبینی حسین‌آبادی صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول این هفت‌نامه بود که در ۸ صفحه به صورت سیاه و سفید منتشر می‌شد البته این نشریه هم در سال ۸۷ تعطیل شد.

سیام آدین

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی



سیر تاریخی مطبوعات در ملایر

از سهیل تا طلّیعه‌امید

پس از عندلیب، “آوای ملایر” گام‌های ابتدایی خود را در سال ۱۳۸۷ در قالب یک ماهنامه برداشت. صاحب امتیاز این نشریه حسن زمانی، مدیر سئول آن علی‌کبر ونایی و سردبیری آن در

سپهم ملایر ۵ نشریه بود. از ویژگی‌های نشریات این دوره هم می‌توان به رشد سیاسی نشریات محلی اشاره کرد. نخستین هفت‌نامه ۴ صفحه‌ای ملایر به نام سهیل که در سال ۱۳۳۹ قی آغاز به کار کرد؛ مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز این هفت‌نامه احتشام‌المالک سهیلی بود و سردبیری آن را باقر دیوان بر عهده داشت که این نشریه بعد از انتشار ۲ شماره،

تعطیل شد. دومین نشریه ملایر “پیام” نام داشت که در بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ مجوز گرفت، اما از انتشار با انتشار نشدن این نشریه اطلاعاتی در دست نیست البته محمود رضوی صاحب امتیاز این نشریه بوده است.

«صرت» را می‌توان سومین نشریه ملایر دانست که به صورت هفتگی در ۴ صفحه منتشر می‌شده است. صاحب‌امتیاز آن نصرتا..، حاجی عظیمی بوده و این نشریه وابسته به جبهه آزادی فعالیت داشته و گستره توزیع آن در ملایر و تهران بوده است. این هفته نامه در اسفندماه سال ۱۳۲۶ به تهران انتقال می‌یابد.

نشریه سیاسی، اجتماعی “مرد مبارز” در سال ۱۳۳۰ منتشر شد. این نشریه نیز در ۴ صفحه به صورت هفتگی در ملایر توزیع می‌شد. مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز این نشریه را خلیل اسعد رزم‌آرا برعهده داشت و در خردادماه سال ۳۷ به تهران منتقل و در اسفندماه ۱۳۳۹ به روزنامه تبدیل شد.

نشریه “درند”، نشریه وابسته به جمعیت ملایری‌های مقیم مرکز در سال ۱۳۳۱ در تهران منتشر می‌شده است. صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول این نشریه اجتماعی، ادبی و فکاهی را کریم ظهیری بداغی برعهده داشته است. هفت‌نامه “لشک دهقان” نیز در سال ۱۳۳۱ به صورت هفتگی و در ۴ صفحه آغاز به انتشار کرد که اردلان صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول این نشریه بود.

«اتحاد» دیگر هفت‌نامه ملایر بود که در سال ۱۳۳۲ در ۴ صفحه انتشار یافت؛ این نشریه که به صاحب‌امتیازی و مدیر مسئولی صادق اسمعیلی منتشر می‌شد در اسفندماه ۱۳۴۴ به دلیل انتشار نامتنظ تعطیل شد.

در سال ۱۳۴۰ آخرین نشریه ملایر- در دوران پهلوی به نام “دهقانان ایران” فعالیت خود را آغاز کرد. این نشریه سیاسی- انتقادی وابسته به انجمن کمک به دهقانان ایران بود؛ صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول آن هدایتا.. داوری بود. دهقانان ایران که به صورت هفتگی و در ۴ صفحه منتشر می‌شد؛ به مسائل کشاورزی و وضعیت دهقانان ایران می‌پرداخت.

ملایر پس از انقلاب تا سال‌ها، هیچ نشریه‌ای نداشت و از عرصه مطبوعات به دور بود تا در سال ۱۳۷۵ هفت‌نامه فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی “عندلیب” با بر عرصه مطبوعات ملایر نهاد تا شهری که در مطبوعات دارای پیشینه است، بدون نماینده نماند. محمدرضا نبینی حسین‌آبادی صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول این هفت‌نامه بود که در ۸ صفحه به صورت سیاه و سفید منتشر می‌شد البته این نشریه هم در سال ۸۷ تعطیل شد.

سربست همدان پیام در ملایر

سیام آدین

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

نمود این روند در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری خود را بهتر نمایان کرد. برخلاف پیش‌بینی‌هایی که یک دو سال مانده به انتخابات مطرح می‌شد،

نظرسنجی‌ها در هفته‌های پایانی نشان می‌داد در دوره یازدهم انتخابات ریاست جمهوری مردم انتخابات را یک حرکت مهم می‌دانند و از آن ساده نمی‌گذرند. البته اغلب تندرهای اصولگرا بدشان نمی‌آمد انتخاباتی با مشارکت حداقلی اما آرام برگزار شود چون می‌دانستند رأی آنها ثابت است. لذا آنها در خصوص مباحث رسانه‌ای به دلیل همان محدودیت‌ها نتوانستند به تبیین و پیش‌بینی خوب از آینده بپردازند.

در این راستا دو اشتباه کلیدی اصولگرایان در بخش رسانه‌ای از دید صادق زیا کلام (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران) اینگونه است: “اینکه چرا روحانی و گفتمان منتقدان پیروز شد، بخشی از آن، هنر خود ما بود. بخشی دیگر اشتباهات فاحشی بود که اصولگرایان کردند. متعقدم اصولگرایان مثل داستان خرگوش و

این امر در سال‌های متمادی بعد از جنگ ادامه داشت و روند افزایش تعداد نشریات رو به افزایش می‌رفت. در انتخابات هفتم ریاست جمهوری و بعد از آن قاعده‌ای بر اشکال گوناگون مطبوعات مرتب شد. شکل گرفتن بازار مطبوعات در این مقطع و فعالیت مطبوعاتی مستقل از دولت، سبب شده بود که دیگر نیازبی به حضور دولتی‌ها نباشد. شکل‌گیری روزنامه‌های خصوصی خودکفا و مطبوعات مستقل و حرفه‌ای بخش خصوصی که بازار اقتصادی داشتند در این سال‌ها پایه‌اش نهاده شد. البته در این دوره محدودیت‌های قابل‌توجهی به مطبوعات‌ها وارد شد. اما یکی از توقیقات این دست محدودیت‌ها، ریشه دواندن مطبوعات غیر دولتی برای سال‌های بعد بود.

اما وضعیت در دولت نهم و دهم بگونه‌ای کاملاً متفاوت از همه دولت‌های گذشته دنبال شد. خصوصاً پس از وقایع سال ۸۸، فضای رسانه‌ای دستخوش تغییراتی نیز شد. شبکه‌های اجتماعی و ماهواره به عنوان ۲ اتفاق مهم وارد این حوزه شدند. مردم با تماشای یک برنامه ماهواره‌ای، با حداقل محدودیت در بیان وقایع و نظرات و دیدگاه‌ها و با داشتن طیف گسترده‌ای مخاطب، بسیاری از مطالب روز را دریافت و با تحلیل‌های متفاوت آشنا می‌شدند.

در همین راستا نگرش اصولگرایان بعد از پیروزی دولت نهم اینگونه بود که به طورکی محدودیت در این حوزه برایش بسیار خوشایند است که در این خصوص نیز موفقیتی کسب نکرد که حتی باید به طور قاطع گفت که در آن ۸ سال

اصحاب رسانه حتی بیش از پیش پخته‌تر شدند.

همانطور که بیان شد در سال‌های قبل از ۸۴ به نوعی مردم با مطبوعات عجین شده بودند و به‌رغم وجود انواع و اقسام رسانه‌های تصویری و شنیداری در سال‌های بعد از آن باز هم آنها مطبوعات را نیاز خودتلقی می‌کردند و آن را کالایی می‌دانستند که در آن آزایی وجود دارد که برای آنها مطلوبیت دارد. به همین دلیل بود که جامعه با اینکه هم دید متلاً قیمت نشریه مورد علاقه‌اش در مقایسه با رسانه‌های وابسته به نهادهای دولتی چند برابر بود، بازهم رویکردش تقاضای دسترسی به همان نشریه بود.

محسن بهاروند

همدان پیام: مطبوعات و رسانه‌ها به عنوان رکن چهارم دموکراسی همواره جایگاه بالا و ویژه‌ای در بین جوامع مختلف بخصوص جوامع پیشرفته دارند. امروزه جوامعی موفق هستند که از رسانه‌های قوی، حرفه‌ای و تیزبین برخوردار باشند تا با رصد کردن رویدادهای جامعه به ارائه راهکارهای مناسب بپردازند و ریل توسعه را هموار کنند.

استان همدان با داشتن رسانه‌های متعدد مکتوب و دیجتالی که نقش کلیدی در پیشبرد اهداف و توسعه استان همدان بر عهده دارند در زمره استان‌های برتر کشور به حساب می‌آید و روزانه صدها خبر را تولید می‌کنند. این شری به محمد عبدالهی، سردبیر آن فایده شیرزاد است. علاوه بر نشریات محلی، نشریه استانی همدان نیز در ملایر فعالیت داشته‌اند و دومین شهر استان را فراموش نکرده‌اند همچنین سایت‌های مثل ملایرآنلاین، افق، ملایری‌ها، ملایر پرس و… و خبرگزاری‌های مثل ایرنا، ایسنا، فارس، مهر و… در گفتگویی که با برخی از کسانی که دست بر آتش مطبوعات ملایر داشته و دارند انجام داده‌ایم؛ هیچکدام از اوضاع موجود رضایت نداشتند و معتقد بودند: توجه به مطبوعات در بین ادارات دولتی نهاده‌نی نشده است و با شرایط مالی موجود این موضوع باعث می‌شود رسانه‌های شهرستان لنگان لنگان به کار خود ادامه دهند. در شهرهایی مانند ملایر که ارگان‌های خصوصی و واحدهای تولیدی اندکی دارد، مراکز دولتی باید به نحوی این خلأ را پوشش دهند.

در راستای برطرف کردن این مشکل اگر دولت یارانه بیشتری را در اختیار مطبوعات قرار دهد، رسانه‌ها به رسالت اصلی خود خواهند پرداخت و به طبع موفق‌تر خواهند بود.

متأسفانه مدیران شهری دغغنه فرهنگی ندارند و به خبرنگاران به چشم روابط‌عمومی ادارات می‌نگرد. در ملایر زمینه کار بسیار است که اگر دغغنه‌ها مالی کاهش یابد، خبرنگاران می‌توانند به تولید خبر بپردازند.

ملایر پتانسیل وسیعی در مطبوعات دارد و داشتن تنها ۲ هفت‌نامه و یک دو هفت‌نامه و چند سایت و حضور رسانه‌های دیگر پاسخگو نخواهد بود چراکه وقتی در ملایر ادعای شهر فرهنگی استان را بردوش می‌کنیم باید آن را به اثبات رسانیم.

سربست همدان پیام در ملایر

۳

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

لاک‌پشت فکر می‌کردند. اینکه “بردم و تمام است»، حاضر بودند تضمین بدهند که انتخابات را بدهند. آنها فکر می‌کردند فقط یک مشکل دارند که احمدی‌نژاد پدید آورده و آن گرانی و مباحث اقتصادی است. به همین دلیل آگاهانه بعد از عید به این‌سو در رسانه‌های خود مدام تأکید کردند: می‌پذیریم که وضع بد است اما احمدی‌نژاد باعث آن است. به این نکته رسیدند که به جامعه نگویند وضع خوب است چون واکنش در پی خواهد داشت. اما بدون آنکه سیاه‌نمایی کنند، بگویند احمدی‌نژاد باعث این وضع است و این هم از زمانی اتفاق افتاده که او خرج خود را از اصولگرایان سوا کرده است.

اما من مدام می‌گفتم اصولگرایان! یعنی چه که همه چیز را بریزید روی دوش احمدی‌نژاد؟ احمدی‌نژاد بخشی از این مجموعه یکدست اصولگرایان بود. این دست روشنگری‌های کارشناسان و اهالی سیاست در رسانه‌های اصلاح‌طلب، موثر بود که البته میزان آن را نمی‌توان اندازه‌گیری کرد. اصولگرایان تهدید دومی که نگران آن بودند، حضور خاتمی بود که به صراحت گفته بودند اگر باید، رد صلاحیت می‌شود. این در لافقه هم نبود. تصور آنها این بود که هاشمی هم نمی‌آید و اگر بیاید هم رای منفی بالا دارد و این را هم مدام در رسانه‌های پرتعداد بیان می‌کردند. این اشتباه دوم اصولگرایان بود.”(روزنامه شرق، ۲۹تیرماه ۹۲)

با توجه به این موارد باید گفت که دوره محدودیت‌های رسانه‌ای سال هاست که منسوخ شده است و رقابت جایگزین آن شده است. امروز وجود انواع رسانه، دامنه اطلاعاتی را گسترده و رقابت انتقال مفاهیم را در بین رسانه‌ها افزایش داده است. به همین خاطر است که امروز هیچ کس از قدرت رسانه غافل نیست و هرچه بیشتر به دنبال تصاحب این ابزار کارآمد هستند.

در خصوص قدرت این ابزار همین بس که تحقیقات در خصوص انقلاب در کشورهای عربی و خصوصاً مصر نشان داده است که بیش از اخوان‌المسلمین و گروه‌هایی از این دست، این شبکه‌های اجتماعی بوده است که نقش پررنگی در تحرکات متخالف حکومت‌های گذشته این کشورها داشته‌اند و امروز نیز همان رسانه‌ها دایه مهربان‌تر از مادر برای مخالفان محمد مرسی شده‌اند.

بنابراین باید پذیرفت که دیگر این مخاطب است که انتخاب می‌کند. جامعه اخبار را از انواع و راه‌های گوناگون رسانه‌ای می‌گیرند، تجزیه و تحلیل می‌کنند و بعد به آن واکنش نشان می‌دهند. لذا برنامه‌های خبری همگون که در طول ۸ سال گذشته، آمدند تا فقط یک حرف را بزنند و از ناآرام‌س‌دی یک حزب و یک جناح و یک شخص و یک گروه و غیره خبررسانی کنند نه‌تنها که در مسیر منافع ملی گام برداشته‌اند که حتی در بسیاری موارد حالت عکس را برای کشور رقم رزند.

البته اینکه تک بعدی از رسانه ملی استفاده می‌شود و سایرین را خالی از قدرت تفکر و تشخیص دانستن زبانی به نام اعتماد را در پس خود دارد که در آینده سخت بتوان به آن دست یافت. کما اینکه در انتخابی که گذشت دیدیم که چند روزنامه به تمداد انگشتان یک دست بگونه‌ای حرف دل مردم را زدند و آن را اشاعه دادند که رسانه ملی نتوانست.

در آخر؛ نکسویه‌نگری در بحث رسانه، چه یک روزنامه با سبقه ۴۰ ساله باشد چه رسانه ملی، در فضای سایبری امروز که با تکرر منابع و مباحث مخاطبین متفاوت را نیز در اختیار خود گرفته است، جز تأثیر مقطعی و آتالف هزینه و زمان به نظر نمی‌رسد مفتعی به جامعه برساند.

محسن بهاروند

رسانه‌های استان همدان به دنبال دارد که خوشبختانه تعداد اینگونه اتفاقات بسیار محدود است. در فضای رسانه‌ای پیشرفته دنیا معمولاً رسانه‌های یک منطقه در تقابل قرار نمی‌گیرند؛ چراکه ممکن است به هدف مشترکشان لطمه وارد شود. اگر رسانه‌های استان مسئولیت تأمین اخبار رسانه‌های نوشتاری را بر عهده دارند. این نقش وقتی برجسته می‌شود که مشکلات مالی که گریبان رسانه‌های مکتوب را گرفته است اجازه اعزام خبرنگار به تمام نقاط استان یا کشور را نمی‌دهد.

عامل دومی که باعث می‌شود کاربرد لفظ رقابت را بین نکردن حقوق همدان خبر، عطشن آن برای دسترسی هر چه سریع‌تر به اخبار است و تأمین این نیاز تنها از عهده رسانه‌های دیجیتالی برمی‌آید.

در حال حاضر کمتر اخباری هستند که در استان از دید رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های دیجیتالی مغفول بماند و خوشبختانه رسانه‌های دیجیتالی استان تا حدود زیادی نقش حرفه‌ای خود را انجام می‌دهند.

در بین رسانه‌های مکتوب نیز استان همدان فضای مناسبی از این حیث دارد و فارغ از برخی مطبوعات نوپا و بعضاً غیر حرفه‌ای روزنامه‌ها و نشریات قدیمی این استان به خوبی در ارسال اخبار و اطلاع‌رسانی نقش ایفا می‌کنند.

البته برخی اوقات نیز بداخلاقی‌هایی در بین رسانه‌های استان مشاهده می‌شود و تعامل و همکاری جای خود را به تقابل ناسالم می‌دهد که در نهایت نیز آسیب‌هایی را برای

سربست همدان پیام در ملایر

